

دکتر تیبریوس راتا، عزرا-نحمیا

جلسه ۷، نحمیا ۳-۴

تیبریوس راتا و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر تیبریوس راتا و تعلیماتش در مورد عزرا و نحمیا هستم. این جلسه ۷، نحمیا ۳-۴ است.

لطفاً کتاب مقدس خود را باز کنید و فصل سوم نحمیا را بخوانید.

ما به تهاجم خود ادامه می‌دهیم. به یاد داشته باشید که کجا هستیم. همانطور که سه تبعید به تبعید وجود داشت، سه بازگشت از تبعید نیز وجود داشت.

اولین مورد، تحت رهبری زروبابل، حدود ۵۰،۰۰۰ یهودی بازگشتند. حدود ۲۰۰۰ نفر با عزرا بازگشتند. و اکنون، آخرین مورد، تحت رهبری نحمیا، تعداد نامعلومی از یهودیان بازگشته‌اند.

نحمیا آمد و خسارات را دید، آن را ارزیابی کرد و اکنون آنها آماده بازسازی دیوار می‌شوند. او مرد عمل است اما مردی بدون مخالفت نیست. دیدیم که مخالفت با سنبلط و طوبیا شروع شد و با اضافه شدن چشم عرب ادامه یافت و خواهیم دید که تعداد مخالفان افزایش می‌یابد.

و سپس در فصل سوم تصویری واقعاً عالی از کار تیمی می‌بینیم. بازسازی دیوار از طریق کار تیمی انجام می‌شود. و واقعاً، این همان چیزی است که فصل سوم در مورد آن است.

فصل سوم طرحی کلی از چگونگی انجام کار از طریق کار گروهی است. این کار توسط یک نفر انجام نمی‌شد. این کار، آنطور که در برخی از کلیساهای ما می‌شنوید، به این صورت نبود که ۲۰٪ از افراد ۸۰٪ کار را انجام دهند.

نه، این همه با هم متحد شدند و کار بازسازی را انجام دادند. و ما اینجا می‌بینیم که الیاشیب، کاهن اعظم، با مثال رهبری می‌کند.

آنگاه الیاشیب، کاهن اعظم، به همراه برادران کاهن خود برخاستند و دروازه گوسفند را ساختند. آن را ۱ تقدیس کردند و درهایش را نصب نمودند. آن را تا برج صد و تا برج حننئیل تقدیس نمودند. ۲ و در کنار او مردان اریحا بنا کردند. و در کنار آنها، ~~نکسپر~~ امری بنا کرد.

و بعد شما ادامه می‌دهید و ادامه می‌دهید. واقعاً قابل توجه است که چگونه این کار به طرز معجزه‌آسایی انجام شد، همانطور که خواهیم دید. اما باز هم، می‌خواهم در اینجا بر اهمیت الگو بودن تأکید کنم.

الیاشیب، اگرچه کاهن اعظم است، فروتنی از خود نشان می‌دهد، ویژگی‌ای که باید در مرد خدا، در زن خدا که رهبری می‌کند، وجود داشته باشد. من داستان شارلمانی، پادشاه فرانک‌ها، و تنها پادشاهی که توانست برای اولین بار از زمان رومی‌ها اروپای غربی را متحد کند، را به یاد می‌آورم. گفته می‌شود وقتی مراسم تشییع جنازه شارلمانی به کلیسای جامع رسید، آنها از دیدن دروازه بسته که توسط اسقف مسدود شده بود، شوکه شدند.

اسقف فریاد زد: «چه کسی می‌آید؟» «جارچیان پاسخ دادند:» شارلمانی، فرمانروا و پادشاه امپراتوری مقدس روم. «اسقف، به نام خدا، پاسخ داد:» او را نمی‌شناسم. چه کسی می‌آید؟» «جارچیان، کمی متزلزل، پاسخ

دادند: «شارل کبیر، مرد خوب و صادق زمینی «اسقف دوباره پاسخ داد»: او را نمی‌شناسم. چه کسی می‌آید؟ «جارجیان که کاملاً درهم شکسته شده بودند، گفتند: «چارلز، گناهکار فروتنی که از مسیح طلب «هدیه می‌کند «اسقف پاسخ داد»: او را می‌شناسم. وارد شوید»

فروتنی مفهومی بزرگ و بسیار مهم است و باید در رهبری وجود داشته باشد. و از آنجا که الیاشیب خود را برای انجام کار فروتن کرد، برادرانش، کاهنان، از او پیروی کردند

کتاب مقدس در اینجا می‌گوید که آنها با هم برای بازسازی دروازه گوسفند که در ضلع شمال شرقی دیوار بود، تلاش کردند. به یاد داشته باشید که اورشلیم در زمان نحمیا چگونه ساخته شد. بنابراین، به یاد داشته باشید آنچه قبلاً گفتم این است که در ابتدا، این شهر اصلی داوود بود

و سپس، آنچه ما اینجا می‌بینیم کوه صهیون است. و سپس سلیمان آن را به سمت شمال گسترش داد، و در اینجا بود که او معبد را ساخت. اما دوباره، بعدها، اورشلیم گسترش یافت و حرقاً آن را گسترش داد

و بعد وقتی به زمان نحمیا می‌رسیم، همه این دروازه‌ها را در اطراف شهر داریم. و اولین دروازه‌ای که اینجا ذکر شده، دروازه گوسفند است. باز هم، تصادفی نیست که آنها را اینگونه می‌نامند

باز هم، خیلی به معبد نزدیک بود. محققان معتقدند که به این دلیل است که گوسفندان برای ذبح از اینجا آورده می‌شدند. باز هم، همه این دروازه‌ها نام دارند

حالا، بعضی از ما دقیقاً می‌دانیم که آنها کجا بودند، اما بعضی از ما مطمئن نیستیم. برای مثال، دروازه سرگین جایی است که آنها زیاله‌ها را بیرون می‌آوردند. باز هم، برخی از محققان می‌گویند که دروازه ماهی احتمالاً نزدیک به یک بازار ماهی بوده است

آن مردم می‌رفتند و ماهی‌هایشان را می‌خریدند. باز هم، ما بعضی از این دروازه‌ها را می‌شناسیم که کجا هستند و چه کاربردی دارند، و بعضی دیگر را نمی‌دانیم. اما آنها با دروازه گوسفند شروع می‌شوند

باز هم، احتمالاً به این دلیل است که آنها اهمیت عبادت را به یاد می‌آورند. آنها در حال تلاش مجدد برای بازگشت به سیستم قربانی هستند. باز هم، این یک تصادف نیست

دروازه گوسفندان به عنوان نقطه شروع عمل می‌کند و مشابه درب ورودی اورشلیم است. بنابراین، اگر این را به عنوان درب ورودی در نظر بگیرید، می‌توانید دروازه گوسفندان را به عنوان درب ورودی و دروازه مدفوع را به عنوان درب پشتی در نظر بگیرید. باز هم، بسیار بسیار مهم است

اما دروازه گوسفند، باز هم، دروازه اصلی بود، امتداد معبد به عنوان نقطه مرجع مرکزی. و بعد به دروازه ماهی اشاره کردم. آنجا جایی است که آنها در مرحله بعد به آنجا می‌روند

در آیات ۳ تا ۵، پسران حسنا دروازه ماهی را ساختند. باز هم، ما فقط می‌توانیم حدس بزنیم که این احتمالاً در نزدیکی بازار ماهی بوده که مردم برای خرید ماهی به آنجا می‌رفتند

آیات ۶ و ۷ درباره دروازه یشانا صحبت می‌کنند. باز هم، یشانا به شهر یشانا اشاره دارد. احتمالاً جایی در ضلع غربی شهر بوده است

در آیات ۸ تا ۱۰، ما در اینجا از زرگران نام برده‌ایم

آیه ۱۰، در کنار آنها، یدایا، پسر هارومپاف، روبروی خانه‌اش مشغول تعمیر بود.

باز هم، ما با این واقعیت آشنا می‌شویم که مردم اینجا، کارگران، نه تنها با موقعیت مکانی خود، بلکه گاهی اوقات با حرفه خود شناخته می‌شوند. باز هم، این تخصص آنها نبود، با این حال آنها برای بازسازی دیوارها با هم همکاری کردند.

آیات ۱۱ تا ۱۴ درباره افرادی صحبت می‌کند که دیوار را تا دروازه خاکریز بازسازی می‌کنند. بنابراین، برخی از مردم روی دروازه کار می‌کنند، برخی دیگر روی دیوار، اما این یک تلاش تیمی است.

آیات ۱۵ تا ۲۱، آنها دروازه چشمه را تعمیر کردند. و باز هم، دروازه چشمه، می‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم، که کجاست. می‌تواند اینجا باشد، نزدیک به استخر سیلوم. باز هم، کسانی از شما که به اورشلیم رفته‌اید، درباره تونل حزقیا که تا استخر سیلوم امتداد دارد، اطلاع دارند.

به یاد دارم که حزقیا تونل را ساخت زیرا مجبور بودند به اعماق شهر بروند. آنها نمی‌توانستند از شهر خارج شوند، بنابراین تونلی ساختند که به چشمه و سپس به استخر می‌رود.

آیات ۲۸ تا ۳۲ درباره دروازه اسب صحبت می‌کند. دروازه اسب، کاهنان آن را تعمیر کردند. «باز هم، ما مطمئن نیستیم که دروازه اسب کجا بوده است. این یک علامت سوال است، اما احتمالاً جایی بین معبد و کاخ بوده است.

به نظر می‌رسد که دروازه اسب در واقع دروازه شهری است که در ضلع شرقی دیوار، تقریباً نزدیک به معبد واقع شده است. به همین دلیل است که در این تصویر می‌توانید آن را در بالا ببینید. اما آنچه فصل ۳ بر آن تأکید دارد، باز هم وحدت در کثرت است.

شما کارگرانی از مکان‌های مختلف دارید. کارگرانی از سطوح مختلف تحصیلات و مهارت، و حرفه‌های مختلف. و با این حال، همه آنها تحت رهبری نعمیا متحد بودند.

آنها از کاهن اعظم الگو گرفتند و دیگران نیز از او پیروی کردند. و آنها کار بازسازی را به انجام رساندند. بعداً در عهد جدید، از ما خواسته شده است که وحدت روح را حفظ کنیم.

نکته‌ی بسیار جالبی است که هرگز به ما گفته نشده که با هم متحد شویم. این روح القدس است که وقتی زندگی خود را به مسیح تسلیم می‌کنیم، اتحاد ایجاد می‌کند. ما عضوی از یک خانواده هستیم.

از ما خواسته نشده که وحدت ایجاد کنیم. از ما خواسته شده که وحدت را حفظ کنیم. و با اتحاد، می‌توانیم کارهای بزرگی برای مسیح انجام دهیم.

فصل ۳ نمونه‌ی بسیار خوبی از کار تیمی است. وحدت در عین تنوع برای یک هدف. اما باز هم، همه راضی نبودند.

در نعمیا ۴ می‌بینیم که مخالفان، دشمنان، بازمی‌گردند. و خواهیم دید که نعمیا چگونه پاسخ می‌دهد، چه در دعا و چه در آمادگی. از آیه ۱، فصل ۴ شروع می‌کنیم. به یاد داشته باشید، سنبلط دوباره به آن بازگشته است.

جواب - سنبلط شنید که ما مشغول ساختن دیوار هستیم، خشمگین و بسیار خشمگین شد و یهودیان را **1a** مسخره کرد. **۲** و در حضور برادرانش و لشکر سامره گفت: «این یهودیان ضعیف چه می کنند؟ آیا آن را برای خود بازخواهند گرداند؟ **1b** قربانی خواهند کرد؟ آیا در یک روز کارشان تمام خواهد شد؟ آیا سنگ‌ها را از میان انبوه زباله‌ها احیا خواهند کرد و سنگ‌های سوخته را؟» **۳** طوبیای عمونی در کنار او بود و او گفت: «بله»! آنچه آنها می‌سازند - اگر روباهی از آن بالا رود، دیوار سنگی آنها را فرو خواهد ریخت

فصل ۴ یکی از تضادهاست. بی‌دینان، مؤمنین را مسخره می‌کنند.

بی‌دینان مسخره می‌کنند در حالی که مؤمنان دعا می‌کنند. بی‌دینان تحقیر می‌کنند در حالی که مؤمنان نقشه می‌کشند. بی‌دینان تهدید می‌کنند در حالی که مؤمنان توسط رهبران خداترس خود تشویق می‌شوند.

همانطور که فریسیان از انجام عمل نیک عیسی خشمگین شدند، سنبلط و طوبیا نیز قوم خدا را به خاطر بازسازی اورشلیم مسخره کردند. و باز هم، او سعی دارد مسخره کند. او مسخره می‌کند.

آیا آنها بازسازی خواهند کرد؟ آیا آنها تمام خواهند کرد؟ همه این سؤالات پاسخی می‌خواهند، نه. و البته تمسخر با این جمله ادامه می‌یابد که اگر فقط یک روباه تنها، می‌دانید، روی دیوار برود، می‌تواند آن را فرو بریزد. اما نحما به خدا متوسل می‌شود.

نحما نمونه بسیار خوبی از کاری است که ما باید در مواقع مخالفت انجام دهیم. همانطور که در گذشته، گفتم، گاهی اوقات ما نیاز به پاسخگویی داریم، اما گاهی اوقات نیازی به پاسخگویی نداریم. در این مورد نحما دوباره به درگاه خدا می‌رود.

به یاد داشته باشید، او مرد روزه و دعا است و به سوی خدا می‌رود. آیات ۴-۶. نحما در دعا از خدا می‌خواهد که برای او در نبرد بجنگد.

نحما احساسات خود را انکار نمی‌کند. او احساس حقارت می‌کند. و ما در اینجا عناصری از یک دعای نفرین‌آمیز را می‌بینیم که بسیار جالب است.

دانش‌آموزان همیشه از من می‌پرسند، آیا اشکالی ندارد که این نوع دعاهای نفرین‌شده را بخوانیم؟ گناه آنها را نپوشانید. نگذارید گناهشان پاک شود. به نظر فروتنانه اما درست من، امروزه خواندن دعاهای نفرین‌شده درست نیست.

و دلیل اینکه این را می‌گویم به خاطر سخنان عیسی است. ما آموزه‌های عیسی را داریم که به ما می‌آموزد در مواردی از این دست چه کنیم. در متی ۵، موعظه بالای کوه، عیسی می‌گوید: اما من به شما می‌گویم، از آیه شروع می‌کنیم، حتی غیریهودیان نیز همین کار را می‌کنند ۴۴.

بنابراین، من فکر می‌کنم ما چیزی داریم که آنها نداشتند. اول از همه، ما تمام مشورت خدا را داریم. ما روح القدس را در خود داریم.

و ما سخنان عیسی را داریم که فکر می‌کنم ما را از دعاهای نفرین‌آمیز منع می‌کند. ما می‌توانیم برای محافظت دعا کنیم، اما نباید برای لعنت کسی دعا کنیم. آیات ۷-۸.

1b وقتی سنبلط و طوبیا و اعراب و عمونیان و اشدودیان شنیدند که کار تعمیر دیوارهای اورشلیم پیش **۲** می‌رود و شکاف‌های آن شروع به بسته شدن می‌کند، بسیار خشمگین شدند. **۱** و همه آنها با هم توطئه کردند

تا بیایند و با اورشلیم بجنگند و در آن آشوب ایجاد کنند.

به یاد داشته باشید که در ابتدا سنبلط و طوبیا را داشتید

، و بعد سنبلط، طوبیا و جشم را دارید. حالا توجه کنید که تعداد مخالفان چگونه افزایش یافت. سنبلط، طوبیا، اعراب، عمونیان و اشدودیان را دارید.

صرفاً به این دلیل که شما کاری را برای خدا درست انجام می‌دهید، به این معنی نیست که با مخالفت روبرو نخواهید شد. و این مخالفت افزایش می‌یابد، و همانطور که خواهیم دید، در نحوه‌ی به کارگیری تاکتیک‌های آنها نیز افزایش خواهد یافت.

اول مسخره می‌کنند، و بعد تهدیدها را خواهید دید. و حالا می‌بینیم که اینجا خیلی عصبانی هستند، و حالا دارند نقشه می‌کشند. همانطور که قوم خدا نقشه بازسازی می‌کشند، مخالفان نقشه نابودی می‌کشند.

همین اتفاق در زمان عیسی نیز افتاد. به یاد داشته باشید، رهبران مذهبی وقتی عیسی بیماران را شفا می‌داد، ناراحت بودند. و مردم او را ستایش می‌کردند.

و اینجا می‌بینید، در حالی که مؤمنان تحت رهبری نحمیا برنامه‌ریزی، کار و دعا می‌کردند، بی‌دینان نقشه جنگ علیه اورشلیم و ایجاد هرج و مرج در آن را می‌کشیدند. بی‌دینان همیشه کار شیطان را انجام می‌دهند، کسی که از قوم خدا متنفر است و نابودی آنها را می‌خواهد. و دوباره، می‌بینیم که قوم خدا در دعا به درگاه خدا می‌روند.

آیات ۹-۱۱ و ۹ و ما به درگاه خدای خود دعا کردیم و نگهبانانی را به عنوان محافظ در برابر آنها شبانه روز قرار دادیم.

در یهودا گفته می‌شد: «قدرت کسانی که بار مشکلات را به دوش می‌کشند، رو به زوال است. آوار بسیار ۱۰ زیاد است. ما به تنهایی قادر به بازسازی دیوار نخواهیم بود.» 11 و دشمنان ما گفتند: «آنها نخواهند دانست که از قوم خدا متنفر است و نابودی آنها را می‌خواهد. و دوباره، می‌بینیم که قوم خدا در دعا به درگاه خدا می‌روند.»

ما اینجا واقعیت زندگی را می‌بینیم

وقتی با مخالفت روبرو می‌شوید، اغلب دلسرد می‌شوید. و این دقیقاً همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد. آنها در حال کار هستند، در حال برنامه‌ریزی هستند، در حال تلاش هستند.

اما مخالفان باعث می‌شوند که آنها احساس ضعف کنند. به همین دلیل است که آنها می‌گویند: «ما به تنهایی قادر به بازسازی دیوار نخواهیم بود.» و دشمنان همچنان آنها را مسخره می‌کنند.

آنها نخواهند فهمید یا نخواهند دید تا زمانی که ما به میان آنها بیاییم و آنها را بکشیم و کار را متوقف کنیم. شنیدی؟ با سوالات، سوالات ساختگی شروع می‌شود. تا تهدید ادامه می‌یابد و حالا گفتند، ما آنها را خواهیم کشت. برای اینکه نمک بر زخمشان بیفتد، دشمن به تهدید ظالمانه ادامه می‌دهد. چیزی که با خشم شروع شد، به تهدید مرگ تبدیل شده است.

مرد خدا چه خواهد کرد؟ خب، این کاری است که نحمیا انجام می‌دهد. از آیه ۱۲ شروع می‌شود. او سخنان تشویق‌آمیزی دارد و سپس آنها شروع به کار می‌کنند.

آیات ۱۲ تا ۱۴. از آنها نترسید. خداوند بزرگ و مهیب را به یاد داشته باشید و برای برادران، پسران، دختران، همسران و خانه‌هایتان بجنگید.

روشی که نحمیا در نبرد، با دشمن می‌جنگد، اکنون با تشویق پیروانش است. اما باز هم، تقوا جایگزین آمادگی نیست، و آمادگی جایگزین تقوا نیست.

و به همین دلیل است که او باید اینجا نگهبانان امنیتی، نگهبانان مسلح با شمشیر، نیزه و کمان استخدام کند. زیرا او متوجه شد که تهدید و خطر از بیرون واقعی است. اما او به خدا اشاره می‌کند.

او به شخصیت خدا اشاره می‌کند. او نمی‌گوید، هی، شما می‌توانید این کار را انجام دهید. نه.

او می‌گوید، خداوند را که عظیم و مهیب است، به یاد داشته باشید. به یاد داشته باشید، خداوند همان چیزی بود که موسی برای تشویق نسلی که وارد سرزمین موعود می‌شدند، در تثنیه ۸:۱۸ به کار برد. این همان ترجیحی است که جامعه تبعیدی را در زمان ارمیا در ارمیا ۵۱:۵۰ تشویق می‌کرد. به یاد داشته باشید خداوند همان چیزی است که ما نیز باید در مواقع سختی و مخالفت به یاد داشته باشیم. هر کاری که انجام می‌دهیم، به خاطر اوست، و ما آن را به خاطر جلال او انجام می‌دهیم، و ما آن را از طریق قدرت او انجام می‌دهیم.

و این چیزی بود که نحمیا می‌خواست قوم خود را تشویق کند و او این کار را انجام می‌دهد. و دوباره، شما این رفت و آمد با دشمنان را دارید. آیات ۱۵-۱۸.

متوجه شدی؟ دشمن فهمید که خدا در کار است. می‌بینید، دشمن می‌داند که علیه خدا کار می‌کند. رهبر پشت تمام خاندان یهودا که در حال ساختن دیوار بودند، ایستاده بود.

کسانی که بارها را حمل می‌کردند، به گونه‌ای بار می‌بستند که هر کدام با یک دست کار می‌کردند و با دست دیگر سلاح خود را نگه می‌داشتند. **18** و هر یک از بنّایان شمشیر خود را هنگام کار به کمر بسته بودند. مردی که شپور را نواخت، کنار من بود.

استراتژی روشن است. کار کن و دفاع کن. شما از یک طرف آجر و از طرف دیگر شمشیر دارید.

و فصلی که از آیه ۲۰ شروع می‌شود، اینگونه به پایان می‌رسد. باز هم با کلمات تشویق‌آمیز. «خدای ما برای ما خواهد جنگید».

ببینید، این واقعیت که خدا برای آنها می‌جنگد به این معنی نیست که آنها نباید بجنگند. این دعوتی به صلح‌طلبی نبود، بلکه دعوتی به وحدت بود. یک کار عاقلانه و یک استراتژی دفاعی.

یکی دیگر از اقدامات عملی اضطراری که نحمیا انجام داد، هدایت مردم از روستاها برای گذراندن شب در اورشلیم بود. خطر بیشتری برای کسانی که شبانه سفر می‌کردند وجود داشت. ماندن در اورشلیم آنها را محافظت می‌کرد و آنها را در موقعیتی قرار می‌داد تا در صورت حمله شبانه دشمن، به برادرانشان کمک کنند.

اگرچه این مربوط به استراتژی نظامی نیست. این مربوط به رهبری الهی است. پیروی از خدا، توکل به خدا

مرد خدایی مانند نحمیا مردم را به انجام کار تشویق کرد. نه فقط کار یک‌جانبه، بلکه دفاع، محافظت و کار. و ما به خرد نیاز داریم، به‌ویژه در زمانه‌ای که بسیار نامطمئن است.

ما به رهبرانی نیاز داریم که حکمت الهی را برای انجام همین کار داشته باشند.

این دکتر تیبریوس راتا و تعلیم او در مورد عزرا و نحمیا است. این جلسه ۷، نحمیا ۳-۴ است.